

قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

اعلامیه نهضت مقاومت ملی ایران همدردی با گروگان‌های فرانسوی

است شهرت و نام ایران فرانسوی را به گروگان گرفته‌اند و در مقابل جان اینان، آزادی گروهی آدمکش را از فرانسوی طلب می‌کنند.

نهضت مقاومت ملی ایران که خطی به قدرت رسیدن اقراطیون دینسی رایه افکار عمومی جهان شد، رسداده بود، این اقدامات غیر انسانی را که با زنا با طبیعتی رژیم کثونی ایران و وظیفه "الهی" آنست، محکوم می‌کند. نهضت مقاومت ملی ایران که به استناد به اسناد، بارها فاش کرده است که جمهوری اسلامی خمینی گانسون جهانی تروریسم است، در حالیکه آرزومند است فرستادگان فرانسوی در ما موریت خود برای نجات گروگانها موفق شوند و به دردورنج خانواده‌هایشان بیاین دهند، بخودا جازمی دهد تا با ردیگریا داور شود که این وقایع وحشت آوریا بدکشورها بی را که همچنان بدطریق از جمهوری اسلامی خمینی پشتیبانی می‌کنند به مسئولیت سنگین شان آگاه کند.

پاریس - ۱۲ مارس ۱۹۸۶
ترجمه از متن فرانسه

نهضت مقاومت ملی ایران به رهبری شاپور بختیار، شاه سف و اندوه‌شده خود را درمجارای فاجعه با گروگان‌های فرانسوی در لبنان ابراز می‌دارد و در عین حال از اتفاق نظر فرانسویان در اتخاذ سیاستی استوار در مقابل ساج خواهی تروریست‌ها خوشحال است.

نهضت مقاومت ملی ایران همبستگی خود را با جنبش پشتیبانی از گروگان‌ها که قریباً بی این باج خواهی می‌دارد، نفرت انگیزند، اعلام می‌دارد. هفت سال است که جمهوری اسلامی خمینی، گروگان می‌گیرد، می‌کشد و حقوق بشر را نقض می‌کند. در بیروت نیز این عوامل خمینی، حزب اللهی‌ها هستند که قریب یکسال

شکار انسان

جمهوری اسلامی مواد مادی برتر است و نظام وطنه آورد که می‌توان آن را به صورت شکار انسان نام داد. بطور خلاصه، ساداسداران و کمندها و بیرونی را با دارم می‌توانند شکار کنند و بر سر آن‌ها دست می‌نهند و در صورتی که در راه خود با انسان برخورد می‌کنند، معمولاً می‌کشد. بی سوزد اگر از حیند جنگ رسیده است که در کمال با ساداسداران اسطراسان خواهد بود و علاوه بر این با ساداسداران سوار بر اسباب‌های جدید می‌کند. کسانی که معمولاً با ساداسداران برخورد می‌کنند، سوزد خود در راه ساداسداران خواهد بود. سوزد در صفحه ۱۲

هم میانه عزیز،
عید نوروز تا زمانیکه سیردهای این گیتی بر سر زمین ما فریاد نماند
میکنند سیردهای در غمش با سیردهای در غم ما. تحت پرده تاریک
دشمنان، پس بر روی زمین عشق نوروز فرزند برین گیتی
در ماه هائیکه در پیش است تلاش ما را با برادران خود
از فردا در گیتی برای آزادی ایران قدم بردارند.
تقریباً دادم که دنیا نزدی و بر برداشت که
ایران مرکز نخواهد بود. سوزد در صفحه ۸

پیام نوروزی

۲۹ اسفند ۱۳۳۹ روز بزرگ پیروزی ملی

معنوان ادای احترام به سالروز ملی شدن صنعت نفت (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) سستی از طبق ۱۷ شهریور ۱۳۳۰ دکتر مصدق در مجلس شورای ملی را نخل می‌کند. باید متذکر شویم که این نطق دریاخ انتقادات تمامیت‌گرایان دست نمانده ارتجاع و استعمار بود که در مورد بیست و نه "اسنوکی" دست بگلاب زدند و گوشت آزا کردند که در درختین "موقعیت تنگی" مصدق از پذیرفتن بیست و نه انگلستان بر سر زده است.

در جلسه ۱۷ شهریور ۱۳۳۰ مجلس مصدق در مورد وضع کشور، ضمن سخن گفت : "در این مملکت به عقیده هست، اول عقیده هوا خواهان سیاست انگلیس است. پیروان این عقیده می‌گویند تا دولت انگلیس منافع ازا این مملکت نبرد هرگز واخی نمی شود که از استقلال این مملکت دفاع کند... سؤال میکنم که دولت انگلیس کد به استقلال این مملکت هیچ وقت عقیده نداشته چطور می تواند به چیزی که عقیده نداشته اقدام کند؟..."

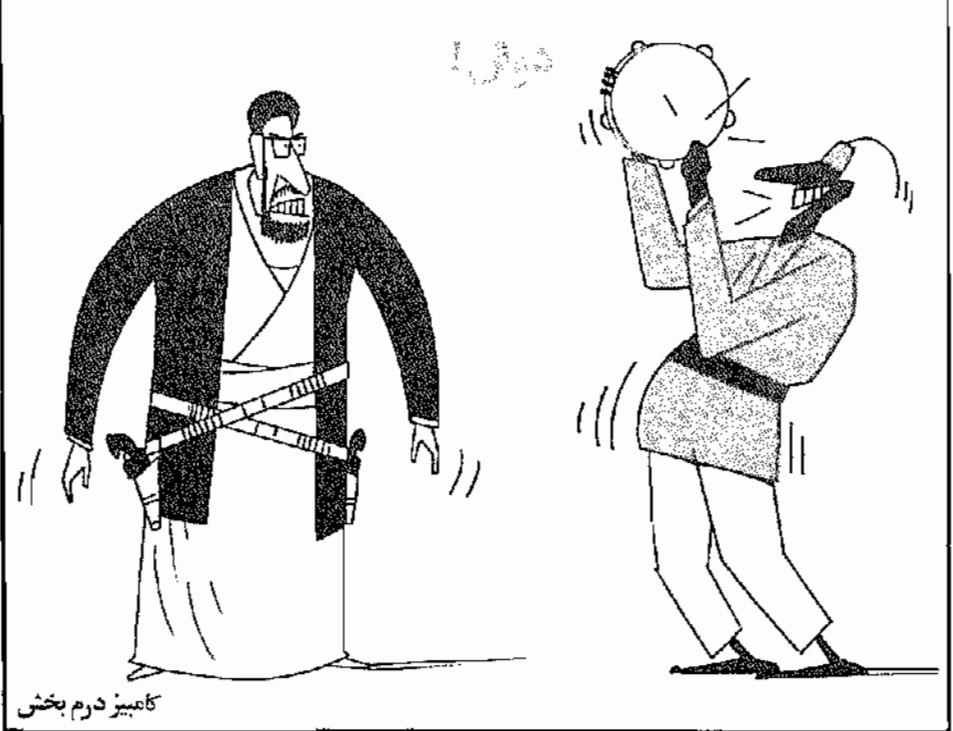
در چندین ولایت فقیه، علی رغم توحش روزا فزون و مصائب طاقت سوزندگی، جنبش با زکشت به هویت - درختان و بی با بچه و غرور و تکبر است. دستگا های جورا جور، با نام های غریب، پشت به دخت کلان مالی، فارغ از قید و بند هرگونه با زخواست و حسابرسی، به حذف میراث ها و کوشش نیا ده های فرهنگ ایرانی، بی هیچ درنگ ادا می دهند.

تا توانسته اند، مدارس، کتابخانه ها و حوزه ها را از زهر آوری که به نقشی از معنویت ایرانی آراسته است، پاکسازی کرده اند.

"ما" موران تربیتی "که با وسواس تمام از جمع عملی حزب الله انتخاب شده اند، وظیفه دارند به هر دستاویزی ولو جبروت و کوهکان و نوجوانان و جوانان را مغز شوئی کنند. هر چه در آن ممکن است از ساخت اسلامی آنها مانع شود، از دستشان دورنگاه دارند. آنچه یک کودک و نوجوان جوان باید بیلحد و هضم کند: سم بیوفتنی است. تاکید بر "عزت نهادت" و اقبال از "برکات سرگ" بخاطر امام و در خط امام، محتوای بی چون و چرای تمام شاخه های "توزش و پرورش اسلام خمینی" است.

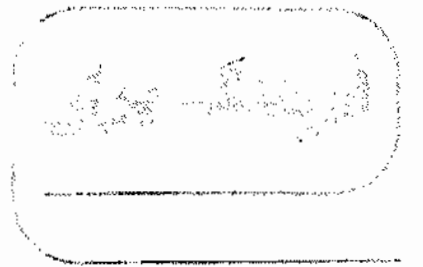
مکافات یک کودک دبستانی که نسبت به پدر و مادر خود احساسی گرم تر از احساس به "امام" ابراز کند، اگر زندان و با اعزام به جبهه و تکه پاره شدن روی زمین های آکنده از مین نباشد، مسلماً "محروریت از تحصیل و قطع جیره ی خانواده ی اوست."

بقیه در صفحه ۲



نوروز فرارسیده است. وطن عزیز ما در اشغال ملایان حاکم و ملت ایران در حال مبارزه ای سر سختانه و جانانه است. به این مناسبت ما جشن نمی گیریم. ولی از آنجا که حکومت بیگانه و بیگانه پرست ملایان در میان آتش و خون، نومیدانه سعی می‌کنند فرهنگ درختان ما، و بخصوص بر سنت های ملی ما خط بطلان بکشد، باید امید جشن گرفتن نوروزهای آینده در ایران باک تدها ز وجودا هرمنان، معنوان بزرگداشت این کهن ترین سنت باستانی ایرانی، و بجای تشریک نوروز تاریخیچهای از نوروز خجسته ایرانیان را به شما تقدیم می‌کنیم.

سوزد در صفحه ۶



محمد جعفر نجیب

چرا شاهنامه سند گرانمای ملیت ماست (۲)



گنجینه‌ای باصدها هزار واژگان

رنج گران را بردوش بکشد و سی و پنج سال در سرودن این کتاب برنج ببرد و عجم را از پاریس خوبش زنده سازد.

بزرگداشتی در تیسو

آنچه تاکنون مذکور افتاد، در باب ارزش هنری بی مانند شاه نامه مدبوره، اما این کتاب گران قدره نقشی در حفظ بنیان ملیت ما داشته است؟ پیش از ورود مستقیم بدین مطلب باید بگوییم که مسلمانان جز ایران هر کشوری را که گشودند، نه تنها مردم را به دین خود فرا خواندند، بلکه تازه مسلمانان زبان عربی - زبان دین و کلام خدا و در عین حال زبان قوم غالب - را نیز پذیرفتند و رفتند و رفتند زبان اصلی خویش را از یاد بردند. سوریه و لبنان نفعی جایگزین فنیقیه است: نخستین قومی که القبا را اختراع کردند و گامی بزرگ در راه پیشرفت فرهنگ بشری و تعمیم سواد آموزش خواندن و نوشتن برداشتند. اما امروز آنان خود را جزومل عرب به شمار می آورند مصر، با شش هزار سال تمدن، کشوری که پدیده مدن جامعه و استقرار پادشاهی در آن سه هزار و پانصد سال قدیمتر از نخستین شاهنشاهی ایران است، امروز زبان اصلی خود را از یاد برده است. فقط گروهی قبطیان که اقلیتی ناچیز در کشور به شمار می آیند و به کار کشاورزی اشتغال دارند بقایای زبان همان زبان است که تا میلیون فرانسوی به یاد می آید یا زبانی که موقت به خواندن خط هیروگلیف شد. اما مصریان خود را عرب می شمارند و از "میراث عربی" (تراشایا العریبه) دم می زنند. ایران نخستین کشوری است که در برابر هجوم اعراب، اسلام آورد، اما هرگز به زبان عربی سخن نگفت و نه تنها زبان خود را نگاه داشت، بلکه پیشرفت اسلام به سوی شرق (هندوپاکستان و مالیزی و اندونزی تا حد چین) به زبان فارسی بوده و هست. این همت ایرانیان است که با سخت کوشی و مواظبت بسیار زبان شیرین خود را حفظ کردند. اما شاه نامه یاد داشته باشیم که فردوسی گفت وقتی این نامه پیر از داستان را دیدم، که دوهزار سال - اگر نه بیشتر - از عمر آن می گذشت، پیش از فردوسی مردم ایران در طی دوهزار سال این داستان را سینه به سینه از سلف به خلف انتقال داده و در طی این روزگار در از ذوق و سلیقه ایرانی تاسازی ها و بی اندامی های آن را به اصلاح آورده و زرگزشتی مختصر آن چنان که در اوستا و مراجع قدیم آمده بود داستان را دل پذیر ساخته بودند. شاید سلیقه فردوسی نیز در انتخاب بهترین و محبوب ترین این داستان ها دخالت داشته است، چه در روزگار رومی و آریانا "داستان های کرشاسب و سام و بزرگو و جهان کبیر و کوش پیل دستان و دیگر سرگذشت های حماسی نیز وجود داشته و در دست رس او بوده است. اما او با نبوغ خاص خویش داستان های رستم - آن هم نه تمام داستان های منسوب به رستم - بلکه دل پذیرترین و زیبا ترین آن ها را برگزید و اساسی از نظم بر آن پوشانید که روزگار آن را کهین نگراند و دوا زبانه را آن گزیند نیاید. بدین ترتیب داستان های شاه نامه، از همان روزگار فردوسی، با شعری بر سر زبان ها افتاد. مسعود سعد سلمان که اندکی سی از فردوسی می زیست کتابی به نام "اختیار نامه شاه نامه" ترتیب داده و مقداری از شاه نامه را - آن اندازه که در کتابی دستی قابل حمل و نقل بگنجد - برگزید. با این حال شاه نامه با همه عظمت خویش، همان گونه که مقدسی در باب شاه نامه مسعودی مروز می گفته بود، در طی قرون و اعصار با دقت و مواظبت بسیار نوشته و نگارگری و تذهیب و تزئین شد چندان که امروز بیش از پانصد نسخه از این کتاب را می توان در کتابخانه های عمومی عالم سراغ کرد و نخستین چاپ آن به سال ۱۸۱۱ میلادی در هندوستان صورت گرفت و کار چاپ و نشر آن همواره تا امروز ادامه یافته است.

می دانیم که بسیاری از مردان عاشر حتی بدون داشتن سواد نمی با بیش از نیمی از شاه نامه را از پیران و در هر گام کوچ و خاصه در رویارویی با دشمن شعرهای آن را برای برانگیختن شوره و حمیت رزم آوران می خوانند چنانچه شاه نامه چنان است که به گفته محمود غزنوی - مرد ترک نژاد ترک زبانی که هیچ ارادت به فردوسی و شاه نامه او نداشت - مردی از آن همی زاید.

باز ممکن است گروهی از خوانندگان گرامی با خود بپندارند: ستایش شاه ایران از سر خود (واجب است) استنقاد از سر خود دیگران و بر سر مردن عیب های آن امری جاری و سنت عادی شاه ایران است. کدام گوینده است که شعر خویش را نستوده یا شاد و ستایش گوینده از شعر خویش دلیل برتری آن نیست. درست است. اگر فردوسی خود به تنهایی زبان به انتقاد از دقیق می گشود، اما دیگران با او هم آواز نمی شدند یا شعر دقیق را برتر از شعر فردوسی می نداشتند گفته فردوسی هیچ دلالتی بر رجحان شعری نمی کرد. اما وقتی به عبار در آفرین فردوسی می گوید:

نشان خوی دقیقی و خوی فردوسی است
تفاوتی که به شاه نامه ما ببینی راست
و آن را در مقام برتری انکار تا بدین فردوسی می بر آید،
با بدیع الزمان فروزان فر، پس از هزار سال

می نویسد:
"ابیات دقیقی فقط قلمه منظوم است و پس از کشته شدن پهلوانان فقط در بیخ می گوید و می گذرد، مثل این که مقصود فردوسی تذهیب اخلاق و تربیت نفس و زنده کردن ایران است... برخلاف دقیقی که فقط می خواهد در ستان منظوم و موزون شود... دیگر جای انگسار برای ترجیح شعر فردوسی بر شعر دقیقی نمی ماند، و از تمام این سخنان گذشته شعرهای فردوسی و دقیقی هر دو در دست است و هر خواننده فارسی زبانی که شناسایی او از شعر تا بدان حد باشد که بتواند آن دورا در دست بخواند و معنی آن را در بیاید، خود می تواند گفته آن دورا با یکدیگر بسنجد. هزار بیست شعر دقیقی یک نواخت، ملال خیز و کسل کننده است چندان که نمی توان بی احساس دل زدگی و ملالست آن را یک باره از آغاز تا پایان مطالعه کرد. اما بنحاه و یک هزار بیت دیگر که شاه نامه نه تنها چنین نیست، بلکه جاذبه سخن تا حدی است که خواننده آن گذشت زمان را احساس نمی کند و ناگاه می بیند شب گذشته و حدیث شاه نامه به پایان رسیده است."

این داستان شاعرانی بود که پیش از فردوسی به سرودن حماسه ملی ایران دست می زدند. اما حماسه سراسری، پس از فردوسی همچنان ادامه یافت و بسیاری از استادان، مانند نظامی گنجوی، طوسی، عثمان مختاری، سراینده، بزرگمهر، ایسران شاهین ابی الصخر، سعدی، خواجوی کرمانی، فتح علی خان صبا، ابن حسام، سروش اصفهانی و ادیب پیشاوری در این عرصه طبع آزمایی کردند و این سنت تا روزگار ما ادامه یافت و حبیب الله توپخت در عصر پهلوی اول "شاه نامه" نوبخت را سرود و کوشید تا دنیا شاه نامه فردوسی را، از روزگار رهجوم اعراب و اسلام آوردن ایرانیان تا دوران رضا شاه به نظم آورد، و بخشی از شاه نامه وی به چاپ نیز رسید و انتشار یافت. تمام این شاهان متاخر بر فردوسی، سرمشقی مانند شاه نامه استاد طوس را در پیش روی خود داشته اند. این حال هیچ یک از آنان نه تنها بر فردوسی سبقت نگرفتند، یا اثری همانند شعری پدید نیارند، بلکه حتی به حریم والای فردوسی نیز نزدیک نشدند. در میان این آثار حماسی، بزرگ ترین آن ها یکی گرشاسب نامه، سعدی طوسی، دیگری اسکندر نامه، نظامی و سومین سام نامه، خواجوی کرمانی است. حجم هیچ یک از این کتاب ها نه شاه نامه، که حتی شاه نامه نیز هیچ گونه مقدمه چینی "فانلان" و تخریب در ادب فارسی ضرورت ندارد. فقط گوئیم که شاه نامه، فردوسی با آن عظمت تاکنون در حدود پنجاه بار تجدید چاپ شده و حال آن که بعضی آثار حماسی دیگر با اصلا به چاپ نرسیده، یا سال ها پیش از این یکبار طبع شده و انتشار یافته و هنوز که هنوز است نسخه های آن روی دست ناشران مانده است. تنها استثنا در این مورد اسکندر نامه، نظامی است و دلیل طبع مکرر آن این است که این کتاب معمولاً همواره شاهکارهای عاشقانه نظامی - خسرو و شیرین و لیلی و مجنون و هفت بیگر یک جا به چاپ می رسیده است، اما خوانندگان ایرانی، شاید به دلیل نگرانی که از اسکندر داشته اند، باقی آثار نظامی را می خوانند و این یک را فراموشی گذاشته اند و شاه نامه را می خوانند و شاهکارهای نظامی مانند خسرو و شیرین و هفت بیگر با رها جدا گانه، به صورت منتخب و به قطع جیبی به چاپ رسیده، اما اسکندر نامه که تمام آن آفرین کتاب نظامی و محصول دوران پختگی و بلوغ فکری شاهان و دوران کمال هنری اوست همچنان استثناء شده است.

در نتیجه، این گفتگوها بدین توان ادعا کرد که اگر شاعر شاه نامه را می سرود و به پایان می رساند (همچنان که مسعودی مروز کرد) باز اثر وی کاری جاویدان و ماندگار نمی شد. باز فردوسی می با یست با رایسن

مردم شهری نیز سال از پس سال و قرن از پی قرن، در تفریح گاه ها، در سرچهار سوق ها، در حیاط مسجدها، کاروان سراها، قبرستان ها و میدان های عمومی می ایستادند و به گفتار قصه خوان که این داستان ها را می سرود گوش فرا می دادند و چون قهوه خانه در ایران پدید آمد مجلس قصه خوانی بدان جا رفت و تا امروز در همان مکان جای گرفته است و دل و جان مردم کوچک و بزرگ را مفا و روشنی می بخشد. جاذبه سحر آمیز این داستان ها بدان حد بوده است که در صدر اسلام شهرت آن تا جزیره الکرب رسیده بود و مردی از دشمنان جدی اسلام رسول اکرم به نام نصر بن حارث، که موسیقی می دانست و داستان می سرود، سفری به ایران رفت و داستان های رستم و سهراب و رستم و اسفندیار را از ایران برای اعراب به ارمان آورد و هم زبانان خود را تشویق می کرد که به سخنان محمد (ص) گوش نراندند که وی حدیثی خوش تر از آن را از ایران برای ایشان آورده است. همین کار سر نصر بن حارث را به باد داد و داستان سراسری و قصه خوانی را در اسلام تحریم کرد.

نگاه دارنده زبان فارسی

آیا خواندن و از بر خواندن این داستان های منظوم زیبا و فصیح که کودکان آن را از دوران زبان بیاز کردن فرامی گرفتند و تا اواسط سده بیستم از آن لذت می بردند یکی از عوامل استوار حفظ و نگاه داری زبان فارسی نبوده است؟ و آیا فردوسی وقتی می گوید:

بسی رنج بردم در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی
بی افکنم از نظم کاخی بلند
که از یاد و باران نیاید گزند

حق با او نبوده است؟ اما از نظر ارزش ادبی، شاه نامه، امروزی دارای قریب پنجاه و دوهزار بیت است (نزدیک ده هزار بیت آن از میان رفته است) و اگر به طور متوسط هر بیت را دارای ده کلمه بگیریم پانصد و بیست هزار کلمه، مصطلح فارسی زبانان، در این گنجینه، بی مانند برای ما به یادگار مانده است، و چون شاه نامه، فردوسی منظوم بوده، قید رعایت وزن و قافیه، کار دخل و تصرف نا سخنان در آن را به مراتب دشوارتر از صرف در کتاب های نثری ساخته است. از این روی می توان گفت که اکثریت این بیت ها (خاصه در نسخه های قدیم شاه نامه) به همان صورت که بوقلم فردوسی جاری شده در این کتاب به یادگار مانده و شناسنامه های هزار و چند ساله برای هر یک از آن واژه ها و مثل ها و ترکیب ها و عبارات هابه دست ما داده است و این کمترین بهره داری است که از کوچک ترین اجزاء شاه نامه یعنی واژه های آن می توان بردورنه برای فوایدی که از نظر گاه های گوناگون ادبی، تاریخی، جامعه شناسی، مردم شناسی، اقتصاد، فلسفی، دینی و غیر آن می توان از این گنج شایگان برگرفت باید کتاب ها برداخت و تاکنون محققان ایرانی و غیر ایرانی مدتها سال است که در این راه گام برداشته اند و هنوز در آغاز کارند. از این روی این نوشته کوتاه را نیز می توان سپاس نامه ای مختصر و بدیهی از آن بزرگ مرد، نه در خور قدر او، که در خور بی بضاعتی نویسنده آن در شمار آورد و آن را با بیستی دوازده هزار در آفرین فردوسی به پایان می آورم:

گفت پیغمبر که دارند اهل فردوس برین
بر زبان لفظ دری بجای زبان مادی
نی عجب گر خازن فردوس، فردوسی بود
گویند بی شبه زبانه و گفتار دری

۲۹ اسفند ۱۳۴۹

روز بزرگ پیروزی ملی

شماره ۱

نوروز به روایت محققان

بشپه از صفحه ۶

چون در زمان و اهل انسی و ناستگان خلوت... نوروزی ها می پاشیدند و این رسم در قرن های نخستین اسلامی نیز رایج بوده است...

خیاط باد صبا

دگر بزم خیاط باد صبا / سی خاله آورد و سرود و روح / بزم را بر او خدای سبب / ز اسباب بیان که بحر بدید / بسایر یکی بست دریا نگر / بیاراست بر پسته سروس / مرا اندازد بر دوش بید نکون / سی ساخت پارچه بخش کرد / بدست پند بی روی خوب چیر / یکی بسته شکل بدوخ باجیب / بنی را بر طرفه ای مشکبیر / پس آنگه سی عقد که هر ز هم / درخت شاد و دره انکت خویش / سپهر او فزوده که جیش دی / بر آن شد که آید به بندی باغ / بر آمد خرم شده از کوه سار / که آنگه باد صبا در رسید / ببالید از آن برد از سیه / نو کتی سپه مندای کرده حرم / بیاردم ز کان سرشک آچنان / که از خشم دمان نماید عسی / بیاید چنین زان خروش و غیور / چنان گر خروشدن کوس وزم

* نسلب بدو نسج : خانه / ** در آن نه هم اول و سید دوم : خانه دراز کد / راهدان بسوسد ، سالنوس تراخ .

نوروز در عصر خلفا

در دربار های نخستین خلفای اسلام به نوروز احتفالی نداشتند ، ولی بعدها خلفای اموی برای آفرودن درآمد خود ، هدایای نوروزی را از نومعمول داشتند...

دولت ایران حاضر نیست چنین اسمی را روی او بگذارد . ایران با بدبالی بولسی کد دارد و مال خود اوست این مملکت را اداره کند . عقیده سوم عقیده وطن پرستان و کسانی است که می خواهند ایران عظمت گذشته خود را حفظ کنند . این ها میگویند ایران هر چه دارد باید بدست خود او باشد . نفت هم که متعلق به خود اوست باید در دست خودش باشد .

مصدق در مورد سیاست دولت انگلیس پس از شکست گفتگوهای استوکس چنین گفت : " آنها تصمیم دارند دولت دیگری بیاورند تا با آن دولت قرار داد مطلوب خود را ببندند . . . دولت انگلیس می خواهد که دولت ملت ایران را به زانو درآورد تا بتواند شرایط خود را به ما تحمیل کند . . .

تاکنون شرکت سابق نفت دومیلیون لیره با بانک برای مخارج خود معامله میکرد و یک مقدار لیره با بت حق الامتیاز هم در دست ما بود ولی اکنون چون جریان نفت بکلی قطع شده این لیره ها هم قطع شده است و به این جهت بنده در جندی قبل به مجلس پیشنهاد کردم که چهارده میلیون لیره - که می گویند فقط ۱۲ میلیون است - از پیشوا نه در اختیار دولت بگذارد تا کالاهای ضروری مثل قند و شکر و روغن را بخرد و وارد شود . . . و کالاهای درجه دوم را هم با لیره های حاصله از کالاهای صادراتی وارد نماید . انگلیس فکری کند که اگر سه چهار ماه دیگر گذشت مردم ایران مملکت به دولت هجوم می آورند و آنوقت انگلیس می گوید من بیست میلیون لیره به شما می دهم بگیری در نفع احتیاج کنید . (خنده نما بندگان) . آنوقت در چنین صورتی پیشنهاد قرار داد میکنند . . .

مصدق در پایان سخن را بدکار نشان دادن نفتی کشا نید و به دولت انگلیس آکاهی داد که :

" تا ۱۵ روز دیگر اگر نیا بیند و موا سبق عدالت رفتار نکنند دولت ایران به اقامت متخصصین انگلیسی در ایران خاتمه می دهد یعنی جواز اقامت این اشخاص را باطل می کند . دلیل هم اینست که اگر آقایان متخصصین در ایران باشند فرصت نمی کنیم که متخصصی دیگر بیاوریم .

می گویم که دولت انگلیس ، اگر نفت می خواهد بیا با ما معامله کند را کسر کمپانی خسارت کرده ما حاضریم بدهیم . اما راجع به نفت عرض میکنم که دولت ایران وقتی نفت خود را به قیمت بین المللی در خلیج فارس می فروشد و تمام مخارج را خودش می دهد گرفتار منافعی اضافی انگلیس درست مثل باجی است که دولت قوی در قرن نوزدهم می گرفتند . . .

مصدق پس از یاد کردن پیمان نامه ۱۹۱۹ و نمونه های دیگر از تاریخ ایران گسه هر جا زمانی به دست استعمار انگلیس افتاد استقلال ایران را زیر پا گذاشت

پس وقتی ثابت شد که دولت انگلیسی عقیده به استقلال این مملکت و سایر ممالک ندارد وقتی دولت اروپا بخواند دولت آسیا را زیون و تا توان کنند و از آن ها سوء استفاده کنند چطور ما می توانیم معتقد شویم که این دولت دیکتاتور و دول شرق استقلال پیدا کنند و یا اگر استقلال دارند استقلال خود را از دست ندهند ؟ این مسئله ثابت شده که دولت بزرگ اروپا و دنیا میخواهند ممالک شرق را استعمار کنند . میخواهند در مملکت خود بنشینند و راحت زندگی کنند و مردمان این ممالک را بیچاره و ناتوان کنند .

بدیهی است وقتی دولت انگلیسی می خواهد منافعی از مملکتی ببرد با پیدا ز خود عملی بکمارد تا این منافعی تا مین بشود . این عمل در همه جا هست ، عمل انگلیس در مملکت عمل انگلیس در دولت ، عمل انگلیس در جاهای مختلف عمل انگلیس در دربار همه جا وجود دارند .

روزی که من در این مجلس متوقف بودم جناب آقای وزیر دربار رتشریف آوردند و فرمودند " یک وقت در این مملکت چتر با زنیا ورنده ؟ " گفتم چتر با زنیجا بیاید ؟ گفتند : " در این مملکت " . عرض کردم آن وقتی که ما و مردم از چتر با زنی ترسیدیم وقتی بود که دولت ایران را دولت انگلیس آورده بود و به دولت می گفتند که هر خود بتسرس و هم مردم را بتسرس (خنده نما بندگان) اما این دولت که دست نشانده انگلیس نیست . . .

مصدق پس از بررسی کارهای وابستگان انگلیس و سخنان پشت پرده ایشان با " استوکس " از دست دیگر چنین یاد کرد :

" عقیده دوم مربوط به اشخاصی است که تمایل به مرام چپ دارند . این اشخاصی چون قادر نیستند که مرام خود را عملی کنند چون می دانند که این مردم با این مرام مخالف هستند . اینها استدعا دارند از افراد چپ دیگران میکنند . من عرض می کنم که هیچکس در این مملکت حاضر نیست نفوذی غیر از نفوذ مملکت ایران باشد . هیچکس حاضر نیست که در این مملکت کسی استدعا داشته باشد از افراد چپ ممالک بیگانه کند . این مملکت باید بدست اهالی این مملکت استقلال خود را در مقابل دولت مجاور خود اعم از بزرگ و کوچک حفظ کند .

... ایران هیچ وقت حاضر نیست دول بزرگ به عنوان مختصر کمکی به این دولت بگویند که دولت ایران عقب افتاده است و باید به او کمک کنند . هیچوقت

مصدق در محکمه قضایی ... کتاب " مصدق در محکمه نظامی " - در دو جلد - که به کوشش طویل بزرگمیسر ، وکیل مدافع دکتر مصدق فراهم آمده است ، از سوی انتشارات نهضت مقاومت ملی ایران تهیه و نشر شده است . هموطنان عزیز که تمایل به دریافت این کتاب هستند ، ممنونند از ارسال سالی تمام شده آن (معادل ۲۰ فرانک فرانسه) به حساب بانکی زیر و ارسال رسید بانکی به آن در صورتی که در آنجا آدرسهای مربوطه درج شده باشد . آدرسهای مربوطه در ادامه آمده است .

ایالات متحده آمریکا - ۱۱ دلار به نشانی : *PO BOX 5728 WASHINGTON, D.C. 20037 USA انگلستان - ۵/۵ پوند به نشانی : *V.M.I.R. PO BOX 313 LONDON W 7.4 QX ENGLAND کانادا - ۱۲/۵۰ دلار کانادا به نشانی : *V.M.I.R. P.O. BOX 1002 Stn: "B", Willowdale, Ont. M2K 1T6 CANADA سوئد - ۲۰ کرون به نشانی : *PO BOX 130 1460 TULLINGE SWEDEN هلند - ۲۵ فلورین به نشانی : *NEHZAT P.B. 246 3230 AE VRIELLE HOLLAND

آلمان فدرال - ۲۵ مارک به نشانی : *V.M.I.R. Postfach 121007 8000 MÜNCHEN 12 W. Germany آتریش - ۱۸۶ شلینگ به نشانی : *V.M.I.R. Postfach 523 1171 WIEN AUSTRIA

فرانسه - ۲۰ فرانک به حساب بانکی زیر و ارسال رسید بانکی به آن در صورتی که در آنجا آدرسهای مربوطه درج شده باشد . آدرسهای مربوطه در ادامه آمده است .

فوان و حجاب

۱۵

مصدق

وفهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

ایران در آستانه تصاحب ثروت ملی

شد ۴۵ درصد منافع خالص شرکت بود (۲) دولت با توجه به تحولاتی که در وضع بازاریابی ملی نفت رخ داده بود اصولاً شرایط مالی تصمیم‌گیری را در حکم شصت و پنج درصد ایران تلقی می‌نمود اما شرکت حتی در اجرای شرایط قرارداد ۱۳۱۲ هم به ضررهای ایران عمل می‌کرد. یعنی از جمله سهم ۲۰ درصد ایران از منافع شرکت را به وسایط مختلف تقلیل می‌داد: به تبعیت از دستور دولت انگلیس سود سهام خود را محدود نموده بود، تعداد ممتاز سهامی از سود عملیات هر سال را در عوض توزیع بین صاحبان سهام به حساب ذخیره خود می‌گذاشت، حق السهم ۲۰ درصد ایران را بعد از پرداخت مالیات بر درآمد به دولت انگلیس حساب می‌کرد، شرط تضمین طلا در مورد سودها را اجرا نکرد، با یوروهای متفرقه یعنی ارزش طلا را به نرخ رسمی و در حقیقت مصنوعی حساب می‌کرد و به نرخ جاری بازار، مقادیر بسیار کمی سوخت به نیروی دریایی انگلیس به قیمت غیر تجارتي یعنی با تخفیف‌های فوق العاده می‌فروخت و از سود خود به نفع دولت انگلیس و ضرر ایران عمل می‌کرد. ضمناً برای آنکه دولت ایران وسیله گسب اطلاع از منافع شرکت ملی و شرکت‌های تابعه نداشته باشد با وجود درخواست‌های بی‌دری ایران از افزایش نرخ و محاسبات خود تحت عنوان سری بودن آن‌ها امتناع می‌کرد. در مورد حق الامتیاز نیز شرکت از پرداخت آن در مورد مسواقتی که ضمن عملیات خود مصرف می‌کرد (در سال ۱۳۱۲ و در سال ۱۳۱۳) مبلغ ۵۴ میلیون لیتر سوخت را در اختیار شرکت قرار داد و در مقابل مطالبات طرفین منظور کرد. قرارداد داخلی به تصویب مجلس رسید و در آن منجر به ملی شدن نفت گردید. تغییراتی که طی مسوالت آن نسبت به شرایط قرارداد سال ۱۳۱۲ منظور شده بود بشرح زیر است:

حق الامتیاز از ۲۵ درصد به ۶ درصد و پرداخت افزایش داده شد. شرکت موافقت کرد که سهم ۲۰ درصد ایران از منافع خالص شرکت را از مالیات هم که به حساب ذخیره می‌گذاشت برداشت کند، حداقل پرداخت سالانه یا به نسبت ۷۵۰/۰۰۰ لیتر مقرر در قرارداد ۱۳۱۲ به چهار میلیون لیتر ترقی داده شد. در مورد قیمت مواد نفتی که در داخل کشور مصرف می‌شد قرارداد جدید در مورد تخفیف از قیمت‌های اساسی که در قرارداد ۱۳۱۲ مقرر شده بود ۲۵ درصد تخفیف منظور شود. نتیجه اجرای این ترتیبات چنین می‌شد که مجموع عایدی ایران در هر سال برای هر تن نفت بالغ بر ۱۲ شیلینگ و نیم یا ۳۴ سنت برای هر بشکه می‌گردد. در برابر ۷ شیلینگ در تن یا ۱۹ سنت در بشکه که نتیجه اجرای شرایط قرارداد ۱۳۱۲ بود. بطوری که در بخش بعد به تفصیل گفته خواهد شد قرارداد داخلی در تاریخ ۲۸ تیر ۱۳۳۸ به مجلس تقدیم شد و پس از جریان آن که یک سال و هشت ماه بطول آنجا می‌شد در تاریخ ۲۴ اسفند با تصویب ملی شدن نفت از طرف مجلس شورای ملی موضوع آن منتفی گردید.

بعد از عقد قرارداد و روابط ظاهری دولت با شرکت وضع عادی برگشت اما افراد نکته‌سنج و عامه مردم با وجود تظاهرات حاکی از نارضایتی و اعتراضات گسترده جاری بود نسبت به جریان وقایع و کیفیت اختلاف از آغاز تا پایان آن ظنین بودند و بدین مآل نرسید و این روحیه جز به نفع محیطی بود که دودنه بعد به جنبش ملی نمودن نفت کمک کرد. در هر حال قرارداد دکه برای مدت شصت سال منعقد شده به سود بیش از هجده سال دوام نکرد. چون علاوه بر احساس نارضایتی عمومی روابط رسمی دولت با شرکت نیز با پیش آمد اختلافات گوناگون به نفع ملی گردید. مسائل مهمی از قبیل زیادداری شرکت در استفاده از کارمندان خارجی، اعمال تبعیضی از جهت به نفع آن‌ها و به ضرر کارکنان ایرانی، عدم توجه به نیازها و آسایش کارکنان ایرانی، خودداری از ارائه خدمات به شرکت و شرکت‌های فرعی به دولت و غیره مورد بحث قرار گرفت و چون لاینحل ماندند در پی پیرونده شکایات و دعاوی دولت نسبت به شرکت را تشکیل داد و با رد درخواست‌های به نفع شرکت تجدیدنظر قرارداد دودنه خود را اما این بار شرکت برخلاف دفعه قبل هیچ گونه آمادگی پس‌روی و در بحث اصولی درباره قرارداد نداشت و لازم بود وضع خاصی پیش آید تا آن را به هر دو طرف در مذاکرات نظر به تغییر شرایط قرارداد و ادوار آن کند. این وضع به دنبال بروز جنگ جهانی دوم بوجود آمد و وقتی شوروی بعد از اشغال نظامی ایران در مصدق عملیات فضا بردار دولت ایران برای بدست آوردن امتیاز نفت شمال برآمد مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۱ آذر ماه ۱۳۳۳ با تصویب لایحه‌ای که دکتر مصدق به عقیده دولتی طرح نمود دولت را از مذاکره با نمایندگان دولت‌ها یا شرکت‌های خارجی در برابر امتیاز نفت منع کرد. با این حال دولت در زمان نخست وزیری قوام السلطنه تحت شرایط وقت مصلحت دید که قولنامه‌های با سفیر شوروی در فروردین ۱۳۲۵ دربار تشکیل یک شرکت مختلط نفت ایران و شوروی امضا کند. این قولنامه چندین بار تجدید و تغییراتی خارجی از ایران در مجلس طرح گردید و در جلسه ۳۰ مهر ۱۳۲۶ "پلاژ شوکان کم یکن" تشخیص داده شد. اما قولنامه مذکور با این که در این تکلیف برای دولت توافقی بود که اقدام به استیفاء حقوق ملت ایران در کلیه مواردی که حقوق می‌بویست به منابع ثروت کشور مورد تضییع واقع شده باشد به خصوص راجع به نفت جنوب، بحمل آورد. این بین آندها رنگ خطر برای شرکت نفت انگلیس بود. اما شرکت به اندازه‌ای وضع خود را خراب نکرده بود. تصور می‌کرد که به این علائم واضح توجه نمی‌نماید. در این مورد نویسنده کتاب نفت ایران چنین می‌گوید:

آنچه موجب تعجب است اینست که محافل رسمی انگلستان این وقایع را فقط حاکی از شکست روسیه دانستند و از این نکته بکلی غافل ماندند که این جریان منافع خود انگلستان را مورد تهدید قرار داده است. هر چند بر سرشده اما حتی اگر در این موقع هم انگلیس‌ها بیدار نشده بودند شاید به هنوز ممکن بود در دوره شرکت نفت انگلیس و ایران آنچنان تغییراتی داده شود که جای برای سازش شرکت با ایران باقی بماند. (۱)

اما دولت در برابر تکلیف قانونی و همچنین اعتراض شوروی در برابر اینکه در مقابل ولد نام با بی‌فکری امتیاز شرکت نفت انگلیس تشخیص فاحش علیه آن دولت است اقدام به شروع مذاکره با شرکت‌ها را لازم دانست و این منظور از شرکت دعوت کرد که نمایندگان به تهران بفرستد. مذاکرات دولت با شرکت در دوره مرحله انجام شد. در وهله اول در زمان نخست وزیری هریس مذاکراتی با نمایندگان شرکت از ۸ تا ۲۱ مهر ۱۳۲۷ صورت گرفت این مذاکرات منگی به گزارش سروج و دقتی درباره مسأله مورد اختلاف بود که دولت پس از مشورت با کارشناسان داخلی و خارجی تهیه کرده بود. نمایندگان شرکت اظهار نمودند که نظریات دولت را در لندن مطرح خواهند نمود. مرحله دوم مذاکرات در پیمن ماه ۱۳۲۷ در زمان نخست وزیری ساعده شروع شد و طی جلساتی که چندبار تعطیل و تجدید شد شکایات و نظریات اصلی دولت مورد گفتگو قرار گرفت تا بالاخره در تیر ماه ۱۳۲۸ طرحی متضمن توافق در راه حل‌های برای رفع اختلافات و توافق نظریات دولت تحت عنوان "قرارداد داخلی" (یعنی الحاقی به قرارداد سال ۱۳۱۲) به امضاء رسید و برای تصویب به مجلس تقدیم گردید.

حساب‌سازی شرکت

بطوری که قبلاً گفته شد بعد از تصویب قرارداد ۱۳۱۲ با اختلافاتی بی‌دری بین دولت و شرکت بوجود آمده و معوق مانده بود. گزارش تنظیمی دولت هژیر در سال ۱۳۲۷ (مرکب از ۲۵ ماده) اختلافاتی را که در طی مدت ۱۵ سال بروز کرده بود شرح می‌دهد. این قرارداد مندرج در گزارش را بشروح زیر خلاصه می‌کنیم: نتیجه مالی قرارداد بهیچ وجه رضایت بخش نبود. با در نظر گرفتن سال قبل از شروع مذاکرات (۱۹۲۷) بعنوان یک سال نمونه وضع بقرار زیر بود: سهم دولت ایران از منافع خالص شرکت تحت عناوین و سهم سه گانه، حق الامتیاز، شرکت در سود سهام، و مالیات بالغ بر ۱۷/۶ درصد گردید. در حالی که آنچه به دولت انگلیس بعنوان مالیات و سود سهام پرداخت

طرح قرارداد الحاقی

لايحه قرارداد داخلی در مجلس یا نزد هم طرف دولت ساعد به مجلس تقدیم شد ولی چون به شرحی که گفته شد تا پایان آن مجلس به تصویب نرسیده بود تعیین تکلیف آن موکول به افتتاح مجلس شانزدهم گردید.

مجلس شانزدهم در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ امتیاز شد در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۲۸ ساعد استعفا کرد و روز ۱۴ فروردین ۱۳۲۹ علی منصور به نخست وزیری منصوب شد. منصور با وجود فشارهایی که به او وارد آمد درباره قرارداد الحاقی هیچ نظری اظهار ننمود جز اینکه گفت تعیین تکلیف آن بر عهده مجلس شورای است و پیشنهاد نمود که مجلس کمیسیون مخصوصی را عملاً مورطالعه قرارداد بگذارد. مجلس به این منظور کمیسویی مرکب از ۱۸ نفر از نمایندگان به نام کمیسیون مخصوص نفت انتخاب نمود (۳) که لایحه قرارداد داخلی را مورد بررسی قرار داد و در نتیجه، مطالعات و نظریات آنرا به مجلس گزارش دهد. در تاریخ ۵ تیر ۱۳۲۹ دولت منصور استعفا کرد و سپیدرزم آنرا به نخست وزیری منصوب شد. کمیسیون در اولین جلسه خود یعنی روز ۱۲ تیر ۱۳۲۹ دکتر مصدق را به سمت ریاست کمیسیون و مکی را به سمت مخیر انتخاب کرد. و سپس به بحث و گفتگو درباره قرارداد الحاقی پرداخت. مذاکرات با سران خریدگبری از دولت شروع شد که مدارک و اسناد مربوط به موضوع را در اختیار کمیسیون نمی‌گذاشت. اصولاً وضع کمیسیون از این قرار بود که بنحوی از اعضای آن (دکتر مصدق - اللهیار صالح - حاجری زاده - دکتر شایگان - مکی) غرضی به ملی و خواهان ملی کردن نفت و تعیین تکلیف دولت و قرارداد الحاقی بودند. در حالی که بقیاد اعضای کمیسیون وضع مشکل و نظریه خاصی نداشتند جز این که بیشتر متغییل به تجدید مذاکره با شرکت بودند. در این وضع دولت رزم آراء امیدوار به سیرت روت این دسته بود و خود حتی الامکان از اظهار نظر بپرهیز می‌کرد. اما کمیسیون به این سیاست ظاهراً بیطرفانه دولت معترض نبود و حتی در سومین جلسه کمیسیون (۲۷ شهریور) کسه بیستی از دوام و ونیم از تشکیل کمیسیون می‌گذشت تصمیم گرفته شد طی نامه‌ای به وزیر دارایی اعلام شود که اگر در ظرف ده روز سرورنده‌ها توافقی با اظهار نظر بنده کمیسیون فرستاده نشود کمیسیون دولت را استیفاء خواهد کرد. در جلسه چهارم نیز اظهار ناراضی از دولت تجدید شد چون وزیر دارایی سرورنده‌ها را فرستاد ولی از اظهار نظر خودداری کرده بود و کمیسیون این روی را محل بسبب است دفع الوقت می‌کرد. در جلسه هفتم (۱۹ مهر) پس از وصول سرورنده‌ها مطالعات کمیسیون با بررسی گزارش دعاوی ۲۵ گانه دولت شروع شد و طرح هر یک از موارد آن (از جمله احتساب بیهای طلا، عدم پرداخت عوارض ۷۰۰/۰۰۰ آن، نفت مصرفی متفرقین، مسامحه در تقلیل کارمندان خارجی، دست‌رسی نداشتن به حساب‌های شرکت) نظریه افرادی را که با زنی با شرکت نفت مخالف بودند تا شد می‌کرد. بالاخره قرائت قرارداد الحاقی و بحث درباره مواد آن در سیزدهمین جلسه کمیسیون (۸ آبان ۱۳۲۹) شروع شد. این بحث بسبب یک ماه طی دوازده جلسه بعدی کمیسیون ادامه یافت و منجر به رد قرارداد گردید. ما از جریان کار کمیسیون نکات برجسته آن را یادآور می‌شویم:

۱ - استیفاء دولت از طرف جبهه ملی که بین تاریخ ۲۰ و ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۹ صورت گرفت طی با کمیسیون مربوط بود هم مربوط نبود. مربوط بود چون به طوری که در بالا گفته شد کمیسیون در تاریخ ۲۷ سپریور به دولت اخطار کرد که اگر در ظرف ده روز مدارک لازم را توافقی با اظهار نظر خود به کمیسیون نفرستد دولت را استیفاء خواهد کرد و در تاریخ شروع استیفاء دولت هنوز نکتونه که کمیسیون انتظار داشت اظهار نظر نگردیده بود. اما مربوط نبود چون تصمیم قطعی به استیفاء از طرف کمیسیون گرفته نشده بود و یک روز قبل از استیفاء (۱۹ مهر) اللهیار صالح در هتمین جلسه کمیسیون گفت: استیفاء از طرف جبهه ملی نمایندگان خواهد بود نه از طرف کمیسیون - هر چند از استیفاء نتیجه‌ای گرفته شد ولی چون ضمن آن علل اساسی مخالفت جبهه ملی با باقی شرکت نفت مشروطاً بیان شد ما خلاصه‌ای از مضمون آنرا نقل می‌کنیم: (۴)

منظور از استیفاء بر طبق مفهوم عادی پارلمانی این کلمه توضیح خواستن از دولت در موضوع اقدام به استیفاء حقوق ایران بر طبق قانون مهر ۱۳۲۶ بود اما آنچه طی استیفاء گفته شد از حدود این معنی تجاوز می‌کرد و بشمول استیفاء کنندگان در واقع طرح ادعاهای بی نام ملت ایران علیه شرکت نفت بود. نمایندگان جبهه ملی در طرح استیفاء چهار رنفر بودند که هر یک بیان یکی از جنبه‌های موضوع مخالفت با شرکت را بعهده گرفت از این قرار: اللهیار صالح در قسمت اجتماعی، حاجری زاده در قسمت سیاسی، مکی از جنبه فنی، و دکتر مصدق از جنبه حقوقی. اینک خلاصه فشرده‌ای از اظهارات نمایندگان:

اللهیار صالح

شرکت نفت با استفاده از دو عمل میل قوی یعنی پول و زور در شئون اجتماعی ملت ایران رخنه کرده بقیه در صفحه ۱۱

گزارش‌های ایران



در آخرین روزهای سال ۶۴ ما ایرانی‌ها سخت‌ترین روزهای زندگی چند سال اخیر فتنه‌رانی گذرانیم، تصادفی نیست که در همین حین، در لحظه حلیول سال نو، به نوعی تنویر آتش جنگ و ستیز را داغ تر می‌کنند، از زمین و هواخون می‌بارد و در آن و ما در آن بسیاری را به جای پوشیدن رخت سرخ شادی به لباس سیاه عزای می‌شناسد، جلوه مسرگ را در سر هر کوجه برپا می‌کنند تا بگرختن آگ زمان به مردمان شهرها و گذر هماغه بگویند که داغ شادی سال نوزدهم و راه ایرانی را تا من زنده هستم بر دلان می‌گذارم چرا که من ضعیف ایرانی، دشمن هر رسم و عادت ایرانی هستم. اگر شما در پشت مرزهای ایران از آمار کشته‌شدگان حمله و هجوم به "فاو" در قالب ارقام ساکت و لال روبه‌رو می‌شوید، ما در اینجا از حجه و ناله و شویانی که از پشت دیوار خانه‌ها برپاست می‌فهمیم که چقدر کشته و چه میزان آسیب دیده‌ایم. به سرور فرصتی است که در زمینه جنگ تازه‌ترین اطلاعات را به شما برسانیم.

درگیریهای سیاه وارتن

استیقای رهبران جمهوری اسلامی برای برقراری اتحاد بین ارتش و سپاه و بسیج، حتی در شرایط جنگی همچنان با مشکل روبه‌روست و علی‌رغم توصیه‌های مؤه که فرماده گل فوا - هر سه واحد، در طاهر پستیان و متحد هم و در خفا دشمن جان بگذراند و همچنان با یکدیگر در ستیز و جاس، و شاید اگر خمینی به آتش جنگ در جبهه‌ها مانده بود، موج اختلافات پیش از این ها با لایمی گرفت، در جستجویا و کنگاش ها و در تاشید این مسئله، به سند بحرمانه مهمی دست یافتیم که بدنبال یک درگیری شدید که در اواخر آذرماه امسال، در یکی از پادگان های نظامی بین سپاه پاسداران و ارتش‌ها رخ داد، ما در شده است. متن سناد از این قرار است:

" از سماجا (ساجا ج.ا.ل ۱۲) بمه فهرست گیرندگان . شماره ۱۱/۱۳-۲۵۴/۶۱ تاریخ ۶۴/۱۰/۱ . موضوع: درگیری های ایجاد شده بین پرسنل سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی. تا حالا هر چه انجام گرفته در سایه همین اتحاد بوده است. امام خمینی

۱ - برای برگزاشات واصله در مناطقی مختلف گاه ها پرسنل سپاه پاسداران با ورود به حیطة اسحقا ظی یگان های ارتش جمهوری اسلامی ایران قصد تصرف قسمتی از محدوده پادگان های ارتش را می نمایند.

۲ - پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به منظور همکاری، به عنوان اولین مختلف قسمتی از محدوده برخی از پادگان ها موقتا " در اختیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران قرار داده شده که پرسنل سپاه مستخدمه و واگذار می‌شود. بیشتر از پادگان ها را داشته اند که در نتیجه این قبیل موارد درگیری هایی را بین پرسنل سپاه و ارتش جمهوری اسلامی ایران بوجود آورده است.

۳ - با توجه به اینکه این قبیل درگیریها مورد بهره برداری و تبلیغات سوء عوامل ضد انقلاب و ستون پنجم دشمن می باشد منظور رفع مشکلات موجود در فرماندهی کل قوا را نیانده است. مقرر فرمودند به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توصیه های مؤه که شده است. ارتش نیز باید جسد " از در افتادن بدام اختلاف و درگیری با سپاه بهره ز کند. امروز همه چیز باقی با تفاهم و مهربانی حل شود مراتب او را مراد به منظور آگاهی اعلام می گردد خواهشمند است دستور فرمائید مراتب را بنحویا بسته به کلیه

فرمانیان هجوم اخیر

در مورد روحیه جنگی دشمنها، بخصوص پس از حملات و انفجر ۸ و ۹ مسائلی هست که باید طرح شود. تعداد کشته‌شدگان بخصوص در نبردهای "فاو" بیسش از ارقامی است که در هجوم های قبلی به آن اشاره میشد. آمار برگزاشات مجالس ترحیم که با لمانا مقسم در روزنامه های کیهان و اطلاعات تقسیم می شود تا چندین چشمگیر نباشد، بیشتر از مجالس ترحیم در هجوم های پیشین است. تعداد شهدا آنقدر بالا است که دولت گذاشتن حمله برای شهدای جوان را منوط به کسب اجازه کرده است و از طرفی جلوه بندهای تهران به هیجرو جوان بگویی متقاضیان نیستند، در پشت زهرای پوسته صف طویلی از آمبولانس ها حتی ماشین های یخچال مخصوص حمل گوشت گوسفند که حالا به حمل اجساد انسان ها تبدیل شده، برای تخلیه اجساد در برابر مرده شویان به چشم می خورد، خانواده شهدا - در اتوبوس های مخصوص، جداگانه نگهداری ویژه وسیله پاساژداران مسلح حفاظت می شوند تا از هرگونه عکس العمل حساب نشده تحت تاثیر مشا هدها جدا جدا نشان ممانعت بعمل آید. تعداد مجروحین نیز قابل توجه است. اینک در تمام تهران مردم می دانند که استادیوم سر پوشیده دوازده هزار نفری "گلا" به مجروحین جنگی اختصاص داده شده، غیر از آن بسیاری از ظرفیت بیمارستانی های دولتی خصوصی مجروحین جنگی اختصاص یافته است. با همه این تدابیر، رژیم در برابر موج فزاینده مجروحین بدرست است افتاده است. در جوار ارا و تسلیحات ارتش در سلطنت آباد - دو خانه را تخلیه کرده و به مجروحین جنگ داده اند. در حالیکه همه می دانند عمده مجروحین جنگ در بیمارستانی های مجروحان و شهرستانها بستری هستند. در بین مردم شایع است که به پزشکان دستاور داده شده که به جای معالجه جراحات دست و پا می‌کنند و برای بطول درمان دارد و ما "لا" اشغال تخت خوابهای بیمارستان ها - دست و پا می‌کنند و بلافاصله قطع خود شهروندان تهران را این ناپایه را به سادگی برای یکدیگر نقل و با ورمی کنند چون زمینها اعمال و خشونت ها و قیامت های رژیم هرگونه شایعه ای را پذیرفتنی می کند. از طرفی بسیاری از خانواده های که عزیزانشان در جنگ کشته شده اند به علت بهای سنگین آگهی در روزنامه ها و مخرج سرا و اورژانس های مجالس ترحیم، فقط به جاب آگهی های دست و بخش آن در مهل سکونت خود اکتفا می کنند اما بخش عظیمی از قربانیان جنگ را روستاییان تشکیل می دهند که از این کشتگان بی خبر است آوازی بر نمی آید و رژیم آرا این فرصت برای استعمار میزبانان انبوه تاخیرات سود می جوید. بررسی آگهی های معدود ترحیم و تسلیت شهدا همچین نشان می دهد که زهره آگهی، یک آگهی مربوط به خانواده ای است که برای دومین بار سومین شهید خود اعلام عزاداری و از جهت دیگر خودنمایی می کنند. تعداد مقتولین آنقدر فزون از رقم وعده داده بعضی آگهی های ترحیم بصورت دسته جمعی است. مثلا در روزنامه کیهان روز دوشنبه ۶۴/۱۲/۱۲ اعلامی است به این مضمون (بنا سبت شهادت جمعی از عزیزان و جان برکشان گردان شهادت لشکر ۲۸ رسول الله که در عملیات افتخار آمیز والفجر ۸... از دیگر ترند های رژیم برای مکتوم داشتن آمار نهاد، طبق تحقیقی که کرده ایم انبار کردن اجساد در سردخانه های شهرستان های غربی کشور است تا بتدریج اجساد به موطن شان حمل شود و بلوایی برپا نگردد. در حقیقت رژیم در تمام مسائل مربوط به جنگ اینک محافظه کارانه عمل می کند. حمله موثقی به هوا بیما می حمل آخوند محلاتی و دیگران رژیم را در چگونگی اعلام خبر، حتی اعلام مشا غل و درجات مقتولین حاد شده چند روز بعد سردرگسی ساخت و هنوز هم هویت بسیاری از مقتولین میهم مانده است. ضربه ای که با انفجار هوا بیما به رژیم وارد آمد قابل محاسبه و بررسی است. از سوی دیگر رژیم برای آماده کردن اعزام گروه های تازه نفس به جبهه های جنگ تلاشی فوق انتظار از خود نشان

می دهد. بنظر می رسد که هجوم بدگویی از سوی و تصرف یک شهر مهم عراقی گسه احتمالا" یا بدبصره باشد از سوی دیگر هدف اصلی رژیم است ثابت ماندن با سخگوی یک میلیون شهید و معلول و سه میلیون آواره جنگی با نیکه با مید تصرف و فتح کر بلا به جبهه ها رفته و ولست با رنده اند. تصرف بصره طعمه آرام کننده و فریب دهنده ای است که رژیم میثاوند پیش با نشان ببیند از اگر چه در ابنتورت جنگ ایران و عراق تبدیل به جنگ ایران و عراق خواهد شد. در هر حال بنظر می رسد که رژیم برای دسترسی به این اهداف هم اکنون مشغول تدارک اجرای برنا های تحت عنوان " دفاع عمومی" است. خمینی در سخنرانی خود بمناسبت روز زن آگاهانه با نا خود آگاه این برنا مه را ولوداد و گفت (زنان با یدفنون نظا می را با دیگر نیکه آگهی دفاع عمومی واجب شده با شنید). از خط مشی تبلیغاتی جمهوری اسلامی در زمینه جنگ چنین استنباط می شود که رژیم برای شویق مردم (بخصوص طبقه متوسط شهرتین که با معنوی و مفهوم جنگ میثی آشنا بند و لایمی از جنگ فاصله دارند) در صورت دفاع میثی طرحی در دست اجرا دارد و بزرودی ما شا هدنا کتیک جدید جمهوری اسلامی برای تحریک انگیزه های میثی و شرکت میثی پرستان در جنگ با عراق خواهیم بود.

اعتراض های آشکار

* اکثریت کامل شهرتینان بخصوص در تهران با نفرت و غیظ روی از رژیم برگردانده و جنگ قلبی را جنگ ملی میثی نمی دانند. در چند روز گذشته یکی از شعبیک بانک معروف که حدود ۱۲۰ کارمند دارد جنازه ۲ نفر از اعضای انجمن اسلامی را که در اول الفجر شهید شده بودند برای تشییع آماده می کنند (برای حفظ کارمندان از گذر نام بانک خود داری می کنیم) از طرف مدیریت و پنج نفر با قیما نده اعضای انجمن اسلامی بانک مزبور، کارمندان تحت فشار قرار می گیرند تا برای تشییع جنازه به جلوسا تک بیایند با بد در محیط رعب و وحشت جمهوری اسلامی بود و آن وقت متوجه شد که خود داری تمام و کمال کارمندان از حضور در مراسم تشییع جسد ترجا عسانه بوده و کارمندان در تاشی نفرت خود از جنگ جقدرجا عانده عمل کرده اند. در یک واحد از اداره تسلیحات ارتش که حدود یکصد نفر کارمند دارد فقط سه نفر حزب اللهی بودند که با همدستی کارمندان و سایر عوامل هر سه نفر را به ما موریت می فرستند تا محیط از وجود منفوران ها خالی شود.

آخرین وداع با بنان

* مردم تهران برای نشان دادن نفرت خود از حکومت اخیرا" از تشکیل مجالس ختم و تشییع جنازه استفاده می کنند، تا زه ترین ظاهرات معنی دار مردم شرکت عظیم تهرانی ها در مجالس ترحیم بخصوص تشییع جنازه غلامحسین بنان بود. باید به اطلاع رسانان رسانیم که در مجلس ترحیم مرحوم احمد ممد صدق با وجود انضای با زرگان و کسر وده کشیری از وجیه المله های سابق حدود پنج هزار نفر شرکت جستند، در مجلس ترحیم مرحوم غلامحسین بنان ساعدی با وجود شرکت مشترک چها و راست ها حدود ده هزار نفر با جمعا" تشییع و ترحیم غلامحسین بنان در پیش از اینجا هزار نفر شرکت جستند، این بدان معنا است که مردم مجددا" به گذشته مراجعه کرده اند. نکته ای جالب اینکه در مجلس ترحیم بنان تقریبا" تمام خوانندگان معروف ایرانی شرکت کردند و یکی از خوانندگان جوانند که عده ای مرکب یکی از بنیانگذاران هنر و آواز را تجدید حیات علمی موسیقی ایران خواندند و نکته جالب دیگر اینکه آقای سرلشکر دبلی استادار سابق آذربایجان و ستاتور که دوه سالی هم در ایمن رژیم زندانی بود و از صدای خوبی هم برخوردار است با موی وسیل سپید در مجلس ترحیم چند خطی به آواز خواند که گروهی آواز خوانی سرلشکر را بیاداریش مجددا" رتشیان مرعوب شده توصیف کردند.

یک روایت درباره دکتر مصدق

وصف مصدق از روزگار جوانی

افضل الملک در اخبار سال ۱۳۱۴ قمری کتاب افضل التواریخ وصف بسیار خوبی از حالات مصدق السلطنه جوان آورده است که آداب‌دانی و حسن خلق او را خوب می‌نمایاند و چون در مآخذ آن زمان، مطلبی بدین گویایی نیست نقل آن مناسب است. میرزا محمدخان مصدق السلطنه، مستوفی اول دیوان اعلی، ولد مرحوم میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر که با حوادث سن به‌اعلی مراتب تجربه و کفایت رسیده و دارای فضل و سواد و هوش و مشارالیه بالیتان است، در جمادی‌الآخره این سال، خدمت محاسبه و استیفای مملکت خراسان به‌او واگذار شد.

میرزا محمدخان مصدق السلطنه را امروز از طرف شغل، مستوفی و محاسب خراسان گویند لکن رتبه و حنب و نسب و استنداد و هوش و فضل و حسابدانی و عاملی این طفل یکشبه که ره صد ساله می‌رود بالاتر از استیفاء اول و محاسب بودن ایالات و ولایات است. هر شخصی قابل و لایقی می‌تواند خود را با بضاعت مالی به‌استیفاء و محاسبه نویسی ولایتی برساند، لکن مشارالیه مراتب دیگر دارند که برعظم ایشان می‌افزاید. پدرش مرحوم میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر است؛ و مادرش سرکار علیّه عالیّه نجم السلطنه - خواهر نواب علیّه عالیّه حضرت علیا دامت شوکتها است که بانوی حرمتها جلال عظمی می‌باشند که از دختران مرحوم فیروز میرزای نصرت‌الدوله هستند.

خود این جوان بیست و پنج ساله از اهل هوش و فضل و به‌قدری آداب‌دانی و قاعده پرداز است که هیچ مزیدی بر آن تصور نیست. گفتار و رفتار و پذیرایی و احترامات در حق مردمش به‌ملطوری است که خود او از متانت و بزرگی خارج نمی‌شود؛ ولی بدون تزویر و ریا کمال خفض جناح و ادب را درباره مردمان بهجا می‌آورد. شاید در عالم تابینی خود به‌چند نفر از وزرای مالیه و رؤسای دفتر خیلی بی‌اعتنایی کرده و احتشام به‌خرج داده است. لکن در مقابل سایر مردم نهایت مرتبه انسانیت و خوش خلقی و تواضع را، فطرته لاجلیه، سرمشق خود قرار داده است. چنین شخصی که در سن شیب این‌طور جلوه‌گری کند باید از آیات بزرگ گردد.

(صفحه ۸۳-۸۲، چاپ شده توسط منصوره اتحادیه و بیروس سعد وندیان)

افضل الملک سن مصدق را در سال مذکور (۱۳۱۴ قمری) بیست و پنج گفته است. آنچه ازین نوشته عجب‌ترست پیش‌بینی مؤلف نسبت به‌آینده زندگی مصدق است.

قطعنامه کمیسیون حقوق بشر

۶ - از ریاست کمیسیون حقوق بشر درخواست می‌نماید که شخصی را که شهرت بین المللی داشته باشد جهت انجام این مأموریت بجای آقای آگیلار که استعفا داده است انتخاب نماید. ۷ - از نماینده جدید کمیسیون درخواست می‌نماید که گزارشی جهت ارائه به چهل و یکمین اجلاس مجمع عمومی در مورد وضع حقوق بشر و اقلیت‌ها و از جمله بهائیان تهیه نموده و گزارش‌هایش را به خود را به چهل و سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر تسلیم نماید. ۸ - کمیسیون حقوق بشر مصرا نکه از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهد که با نماینده ویژه کمیسیون همکاری کرده و بخصوص اجازه ورود به ایران را بدهد. ۹ - از دبیرکل سازمان ملل درخواست می‌نماید که کمک‌های لازم را در اختیار نماینده مخصوص کمیسیون قرار دهد. ۱۰ - کمیسیون تصمیم می‌گیرد که در چهل و سومین اجلاس کمیسیون برای مسأله حقوق بشر در جمهوری اسلامی اولویت قائل شده و به آن رسیدگی نماید.

فرستاده ویژه "قیام ایران" به اجلاس کمیسیون حقوق بشر در ژنو در گزارشی از چگونگی تشکیل این جلسه و نیز رویدادهای حاشیه آن می‌نویسد: گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، فعالیت گسترده‌ای جهت افشای جنایات رژیم، دست زدند. از جمله مرکز ایرانی دفاع از حقوق بشر، با ارسال گزارشی به هیأت‌تحت‌بندهای کمیسیون حقوق بشر کشورها و سازمان بین‌المللی حقوق بشر در مورد نقض آزادی‌های اساسی ایران در رژیم اسلامی تشریح کرد. خبرنگار ما می‌افزاید: هیأت‌نمایندهای جمهوری اسلامی در اجلاس سیزدهمین بودند که در میان آن‌ها سفیر جمهوری اسلامی در ژنو، یکی از مسئولان سابق زندان‌های کرمانشاه، یک بورسیه‌سابق سابق بنیاد دهبی و یکی از مسئولان زندان قزل حصار و چندین سارد رده‌ساز می‌شدند. در حالیکه به‌هاجرت جمهوری اسلامی دوندگی در کنفرانس اختصاصی

چهل و دومین نشست سالانه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که از سوم فوریه تا ۱۳ مارس ۱۹۸۶ در ژنو برگزار شد، با صدور قطعنامه‌ای، نگرانی و ناله عمیق خود را از نقض فاحش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ابراز داشت و از رژیم تهران خواست که با ورود نماینده ویژه کمیسیون به ایران، بر سرای بررسی و تهیه گزارش، موافقت کند.

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد قطعنامه زیر را با اکثریت آراء تصویب کرد:

۱ - ضمن قدردانی از نماینده ویژه و نظرات ارزشمند او در گزارش ارائه شده به کمیسیون، ۲ - براتب نگرانی عمیق خود را در مورد نقض فاحش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران همانطوریکه در گزارش نماینده ویژه مجمع عمومی سازمان ملل منعکس شده است را اعلام و به‌خصوص نقض حقوق بشر در مورد برخورداری انسان از حق زندگی، حق شکنجه شدن و مورد آزار و اذیت و مجازات‌های ظالمانه، وحشیانه، غیر انسانی قرار گرفتن، و حق برخورداری از آزادی، امنیت شخصی، بازداشت و زندانی نگردیدن افراد، حق برخورداری از محاکمه عادلانه بازداشت‌شدگان، حق آزادی تفکر، عقیده و مذهب، حق آزادی بیان و حقوق اقلیت‌های مذهبی برای انجام فرایند دینی خود را مسدود تا کید قرار می‌دهد.

۳ - با تأیید نتیجه‌گیری نماینده ویژه در گزارش خود که به‌خاطر و اطلاعات هماهنگ و دقیق سازمان حقوق بشر در جمهوری اسلامی انگارنا پذیر می‌باشد. ۴ - کمیسیون حقوق بشر مصرا نکه از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد که به عنوان یک کشور عضو میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، به حقوق مندرج در این میثاق احترام گذاشته و کلیه افراد را که در ایران زندگانی می‌کنند و تابع دستگاها قضائی آن کشور می‌باشند از این حقوق برخوردار نماید. ۵ - با تصمیم به تجدید مدت مأموریت نماینده ویژه به‌نحویکه در قطعنامه ۱۹۸۴/۵۴ کمیسیون پیش‌بینی گردیده است.

دکتر مصدق

تنظیم و تصویب امتیاز نامه ۱۹۳۳ در دوره دیکتاتوری صورت گرفته که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان آن دوره نمایندگان حقیقی ملت شریفه و زرا هم برای انجام وظایف خود آزادی عمل نداشته‌اند. حالام که قرارداد الحاقی تنظیم شده عرض اصلی تنفیذ قرارداد باطل دوره دیکتاتوری است که در نتیجه آن ملت ایران تا ۴۳ سال دیگر تحت مقررات ظالمانه آن قرارداد قرار گیرد (خطاب به رژیم آرا) اگر شما با قرارداد ساعدت گس موافقت کنید یک سنگی برای خودتان باقی گذاشته‌اید که هیچوقت نمی‌توانید آن را از بین ببرید.

رژیم آرا در جواب این استیضاح گفت: اولاً نسبت دادن عدم پیشرفت ایران به نفوذ شرکت بی‌مسئود و بی‌سازنده است و همین فکر است که باعث پایه‌س و عقب‌ماندگی ملت می‌شود. ثانیاً "در اصل موضوع اظهار نمود حقیقت امر اینست که اوبه درخواست کمیسیون کلیه سوابق و مدارک را به کمیسیون فرستاده و نماینده‌ای هم برای ادای توضیحات اعزام داشته است و این عمل خود حاکی از موافقت دولت با لایحه بوده است و بنا بر این ایرادی به روش دولت وارد نیست. پس از پایان استیضاح مجلس به آن رای ساکت داد به این معنی که نسبت به ایراداتی که به عمل آمده و جواب‌هایی که داده شده بود نه نظر موافق ایران نمود نه نظر مخالف. و به این ترتیب از طرح استیضاح خللی به وضع دولت وارد نیامد.

۲ - کمیسیون طی چندین جلسه به دولت ایسراد می‌کرد که چراگسی را برای اظهار موافقت با قرارداد و تأیید دگر به دفاع از آن معرفی نمی‌کند. ۳ - در جلسه بعد (فرور) در چهاردهمین جلسه به تاریخ ۱۰ آبان در کمیسیون از جانب نخست‌وزیر (رژیم آرا) و خود اظهار کرد که دولت با قرارداد موافقت دارد و از آن دفاع خواهد کرد. پس به درخواست کمیسیون نخست‌وزیر در جلسه بعد حاضر شد و ضمن تأکید اینکه دولت منتهای کوشش را برای تأمین حقوق ایران به‌کار برده است گفت: "من در مجلس سناگفتم وظیفه دولت اینست که بگوید من با این لایحه موافقم و باید طرح شود و موافق است با این لایحه برای اینکه نماینده‌اش را معرفی کرد. در مرحله اول دکتر پیرنیا ... قبلاً نیز فرور اظهار کرده بود که

۱۵

مصدق

و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

بقیه از صفحه ۹

و مانع رشد آن شده است. آثار این نفوذ مخرب در امور تعلیم و تربیت، اخلاق عمومی، بهداشت و بخصوص در وضع مناطق عملیاتی شرکت متهود است. شرکت نفت را باید دشمن استقلال و ترقی ایران دانست و دولتی می‌تواند منافع ایران را از نفت جنوب تا مین کند که دست شرکت نفت را از نفت جنوب قطع نماید.

حکومت انگلستان در لباس کمپانی در داخل ایران یک دولت قوی در تنگ دولت ضعیف ایران تأسیس کرده است. شرکت نفت لباس تشرمغ در برادر در صورت ظاهر کمپانی و تا جرات ولی در زیر این لباس عالم دولت انگلیس است. بنا بر این باید هر چه زودتر تکلیف ایران با این دستگاه فاسد بکسر شود.

شرکت نفت برای دولت حق کنترل واقعی عملیات فنی و محاسباتی خود را قائل نیست و در محروم نمودن ایرانیان از تصدی مشاغل فنی و مهم تمسک دارد سعی که شرکت از عواید خود به دولت پرداخته به کلی ناچیز است. شرکت اگر نفت را بلاواسطه می‌برد ولی حقوق مسمول کمربک را روی وارداتش می‌پردازد و مجبور بود سالی ۶۰ میلیون ییره که چند برابر درآمد متیا زاست به دولت ایران بپردازد مگر از طریق این چنین نتیجه گرفت: "آیا وجدان شما نمایندگان که به اسم دفاع از منافع ملت ایران در قلب کشور جمع شده‌اید بدست‌آچاره می‌دهد که با قراردادهاهایی که به این توشیح منظم و به ترتیب‌های زیان‌بخش دیگری که بحث کرده و می‌کنیم عملی شده است موافقت نمائید؟"

بقیه در صفحه ۱۲

واسطه بین دولت و کمیسیون به نفع خود هندیسود وزیر دارائی (خود او) معاون وزیر (دکتر پیرنیا) و رئیس اداره امتیازات (منوچهر فرما نفرمانیان) ۲ - یک نکته مهم که شرکت و دولت به‌زودی پس از رجوع قرار داد به کمیسیون مخصوص نفت به آن متوجه گردیدند این بود که قرارداد بین اعضای کمیسیون مطلقاً "مناقضی نخواهد داشت. در طی مذاکرات ۲۴ جلسه هیچ یک از اعضا کلمه‌ای به نفع قرارداد به‌زبان نراند حتی آنجا که بنا به ملاحظات سیاسی مایل بودند شرکت با اصلاحاتی خود را بپذیرد دهد هر بار به مناسبتی شرکت را شدیداً "سرزنش می‌کردند. جمال اما می‌در جلسه ۲۶ بهرگفت: "ما بیچ وجه به حسابهای شرکت دسترسی نداریم و این یک سوءظن عجیبی در ما ایجاد کرده که حقا هم باید ایجاد شود چون در حسابها شان ما شبهه داریم." در جلسه ۱۳ آبان نیز گفت: "آنطور که من استنباط کرده‌ام هیچ کس از افراد کمیسیون موافق تصویب لایحه نیست." باز در جلسه ۱۷ آبان گفت: "این بغضی که شرکت نسبت علیه خود و دولت ایجاد کرده ما را وادار می‌کند که یک روزی بگوئیم شرکت نشاند ما هم نشا شیم." دولت چند بار این وضع را به شرکت گوشزد کرد و گوشید تا بلکه شرکت در شرایط قرارداد اصلاحاتی بعمل آورد ولی هیچگونه نتیجه‌ای نگرفت. در جلسه ۸ آبان دکتر پیرنیا گفت: شرکت بهیچ وجه از پیشنهادهایش عدول نمی‌کند. نخست‌وزیر نیز در جلسه ۱۳ آبان گفت مذاکره با شرکت همچنان ادامه دارد ولی تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است.

۱ - Elwell Sutton : Persien Oil P.112
۲ - بر اساس ارقام حساب مندرج در صفحه ۸۳ همان مآخذ
۳ - اما می‌اعضای کمیسیون به ترتیب حروف الفبا: جمال اما می - سیدعلی بهیجانی - یالیزی - جاشری زاده - ذوالفقاری - سرتیب زاده - دکتر تا یگان - اللهبی رحال - جواد مری - دکتر علوی - فرا مرزی - فقیه زاده - خسرو قشقایی - دکتر کامی - جواد گنجی - دکتر مصدق - مکی - دکتر هادی
۴ - برای متن کامل استیضاح به کتاب سیاه نوشته حسین مکی (جلد اول) صفحات ۲۸۷ به بعد رجوع شود.

کتابخانه از اجلاس جامعه جهانی حقوق بشر در آلمان

پرونده سنگین نقض حقوق بشر

اجلاس بین المللی امسال جامعه جهانی حقوق بشر در شهر کونیگ اشتاین آلمان غربی که در روزهای هفدهم و هیجدهم اسفند ماه برگزار شد...

نماینده نهضت مقاومت ملی ایران در آلمان غربی طی گزارشی مفصلي درباره اوضاع داخلی ایران از هیئت نمایندگان ۱۳۵۷ تاکنون با ارائه بیست و سه صفحه مدارک مربوط به نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم...



با زمان تروریستی جهان اسلام دیروز (۱۵ مارس) با ارسال نه قطعه عکس سیاه سفیدی یک خبرنگاری غربی در بیروت...

جهاد اسلامی در عین حال متکبر بود و چهار روزگزارشگر که سال ۲۰ تلوویزیون فرانسه شد و اعلام کرد...

شخصیت ها و محافل سیاسی و فرهنگی فرانسه نیز نسبت به باج خواهی و اقدامات جهان اسلام به خشم و انتقاد و کنش نشان دادند...

مطبوعات ترکیه هشتاد و هشتاد تنگه تعرض جمهوری اسلامی در جبهه های شمالی، آثار منفی در امنیت ترکیه بجا خواهد گذاشت...

بقیه از صفحه ۱

یک چنین شکاری را تاریخ استورده ای ایران در وقایع عید فصح ثبت کرده است. میدانیم که بدروایت شاهنا به...

خبرگزاری فرانسه ۱۴ مارس

دیروز روز مقامات رسمی ترکیه تایید کرده اند که تنها خط آهنی که ایران را به ترکیه متصل می کند...

خبرگزاری فرانسه ۱۴ مارس

بعدها ظهر دیروز مقامات مطلع درباریس فاش کردند که آریک لورو سفیر فرانسه...

قطعه نامه کمیسیون حقوق بشر

بقیه از صفحه ۱۱ داشت، بقیه اعنای هیأت، در راهروهای محل کنفرانس قدمی زدند...

بقیه از صفحه ۱

مستواند سرزمین های دیگری نیز سخر کنند و امیران توری جدیدی تشکیل دهد...

در داستان ضحاک، اگر چه قصه ما راها و خوالیگری ابلیس و دادن مغز جوانان به خوردن ما راها بصورت تمثیلی بیان شده...

درویش، که از سوی دولت متبوع خود

ما موریت یافته است در مورد آزادی کروگان های فرا نسوی در بیروت...

برای نخستین بار در تاریخ اجلاس

کمیسیون حقوق بشر، دیپلماتهای جمهوری اسلامی بمنظور ایجاد عصب در نمایندگان شرکت کننده و مخالفان رژیم...

خود را از دست داد به کجا منتهی میشود. یکی ازین دو حادثه در روسیه رخ داد. روسیه وقتي وارد جنگ جهانی اول شد...

خدا را از دست داد به کجا منتهی میشود. یکی ازین دو حادثه در روسیه رخ داد. روسیه وقتي وارد جنگ جهانی اول شد...

جنگ ایران و عراق از زمینها بین سه چنین مرحله پی رسیده است. یک روز، در روز، ده روز، یک ماه، دو ماه...

دامنه جنگ جمهوری اسلامی و عراق

به دیگر کشورهای منطقه تهدیدی عمده علیه متافع ایالات متحده محسوب می شود و به جمهوری اسلامی اخطار کرد...

رفت و آمد با سداران به سالن و محوطه

اطراف آن قطع گردید و علی شمس اردکانی نیز به تهران بازگشت. نماز پنجمی جمهوری اسلامی، پس از شکست...

نشانی: QYAM IRAN C. O. C. H. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد